

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۹ • ۱۶ ربیع الاول ۱۴۴۲ • ۲۰ نوامبر ۲۰۲۰

خبر کوتاه

نامجویانی که در استقلال نامدار شدند

استقلال از جمله باشگاه‌هایی است که اگر بحث بازیکن‌سازی را به صورت جدی دنبال کند، با توجه به پتانسیل هواداران میلیونی که در سراسر کشور دارد، بدون شک می‌تواند هر فصل چند بازیکن جدید به فوتبال ایران معرفی کند (دقیقا مانند پرسپولیس) اما متأسفانه مدت‌هاست بحث فوتبال پایه‌ای در برخی تیم‌های پرطرفدار ما مهجور مانده و به وضوح شاهد هستیم استقلال و پرسپولیس ترجیح می‌دهند به جای بازیکن‌سازی، سراغ بازیکنان ساخته شده توسط سایر باشگاه‌ها بروند و آنها را با ارقام گزاف به جمع نفرات‌شان اضافه کنند. البته با این وجود باز هم طی دوار برگزار شده رقابت‌های لیگ برتر شاهد معرفی شدن چند بازیکن توسط استقلال به عنوان پدیده بودایم. مهره‌هایی که با استفاده از همین فرصت توانستند خودشان را به تیم ملی برسانند و حتی مجال حضور در جام جهانی را نیز به دست آورند
روی همین اصل نگاهی به مهم‌ترین پدیده‌های معرفی‌شده به فوتبال ایران توسط استقلال طی فصول گذشته کرده‌ایم تا ببینیم آیا این فصل هم در استقلال از این خیرها می‌شود یا نه؟

سنگریان لاغراندام

در پاییز سال ۸۲ هنگامی که استقلال به مهمانی سپاهان رفته بود، حضور یک سنگریان گمنام و لاغراندام در ترکیب ثابت آبی‌پوشان تهرانی باعث تعجب اغلب هواداران این تیم شد. امیر قلعه‌نویی به سرمربی وقت استقلال از وجود یک چهره جوان به نام «حید طالب‌لو» استفاده کرده بود و پرویز برومند سرشناس را نیمکت‌نشین کرد. همان مسابقه پل رسیدن وحید به آرزوهایش شد و کم‌کم توانست پیراهن شماره یک استقلال را مال خود کند. در واقع شاید بتوان گفت طالب‌لو اولین پدیده معرفی شده توسط استقلال در تاریخ برگزاری لیگ برتر تلقی می‌شود. سنگرانی که توانست به جام‌ملت‌های آسیا و جام جهانی هم برسد.

ستاره‌ای به نام جباری

در جدال رفت استقلال مقابل پرسپولیس در فصل ۸۵–۸۴ یک بازیکن فوق‌العاده تکنیکی به مرد شماره یک خط میانی آبی‌ها بدل شد و نقش مؤثری در پیروزی آن روز استقلال ایفا کرد. جوانک ترکانی به نام مجتبی جباری که خیلی زود کمربند خط میانی استقلال را به طور کامل در اختیار خود گرفت و به یکی از بهترین‌های فوتبال ایران طی ۳۰ سال گذشته بدل شد. البته متأسفانه مصدومیت‌های متوالی و کاهش بهر می‌برخی تصمیمات خاص موجب شد تا این بازیکن در تیم ملی به حقش نرسد. این نکته را نیز نباید از نظر دور کرد که جباری یک فصل قبل از همان مسائله‌ای که تعریفش را کردیم، جزو مهره‌های کلیدی ابوسلم محسوب می‌شد و قبل از بازگشت مجدد به استقلال نیز انصافاً بازیکن بسیار خوبی بود ولی واقعیت امر این است که فوتبالی‌اش از سال ۸۴ در استقلال به مراتب بهتر دیده شد و باید او را نیز در زمره پدیده‌های آبی لیگ برتر قرار داد.

شادمانی فرشید

پاییز سال ۹۴ برای فرشید اسماعیلی اوقات فوق‌العاده خوبی بود. این بازیکن در آن مقطع چهره‌ای گمنام تلقی می‌شد که توسط مهری رحمتی به پرویز مظلومی سرمربی وقت استقلال معرفی شد و در جدال مقابل سپاهان جزو ترکیب ثابت آبی‌ها به میدان رفت. اتفاقا اسماعیلی در همان مسابقه علاوه بر نمایش فوق‌العاده، موفق به گلزنی هم و جای پایش را در ترکیب اصلی استقلال محکم کرد. فرشید اسماعیلی یکی از پدیده‌های فصل ۹۵–۹۴ بود اما سیر صعودی‌اش در فصول بعد شیب بسیار ملایمی پیدا کرد.

محروریت ارزشمن

استقلال در هفته‌های پایانی فصل ۹۶–۹۵ به حکم فیفا محروم شد و پنجره نقل و انتقالاتی این باشگاه مسدود اعلام گردید (دقیقا مانند همین وضعیتی که در حال حاضر ما آن دچار شده است) به همین خاطر علیرضا منصوریان مجبور شد از بازیکنان جوان و جوانی نام خود بیشتر استفاده کند و اتفاقا ماجرا برای استقلال فوق‌العاده هم خوب شد! همان محرومیت زمینه‌ساز حضور یک هافبک گمنام به نام «مید نورافکن» در وسط زمین را فراهم کرد و این بازیکن که از روی کار آمدن وینفرد شفر، ماجرای تلخ نیز بود، در دور برگشت فصل مورد نظر نمایش فوق‌العاده خوبی ارائه کرد به طوری که توانست زمینه برای لیوینر شدن خودش را نیز فراهم کند. البته بعدا میان همین نورافکن و برخی استقلالی‌ها برخورد‌هایی بسیار شدید اتفاق افتاد که چند ماه قبل در جریان جدال استقلال–سپاهان نمونه‌هایی از آن مشاهده کردید.

مردان محبوب منصوریان و شفر

علیرضا منصوریان در هفته‌های آغازین فصل ۹۷–۹۶ به یک بازیکن گمنام ۱۱ ساله میدان می‌داد. چهره‌ای تحت عنوان مهدی قایدی که انصافاً همان زمان رگ‌های استعداد در وجودش موج می‌زد. البته سرمربی وقت استقلال تلخ شد و مدتی پس از روی کار آمدن وینفرد شفر، ماجرای تصادف برای قایدی و خانواده محروم شاکر به وقوع پیوست تا روند صعودی این بازیکن دچار اختلال شود ولی مهدی از ابتدای دوران سرمربیگری استراماچونی مجدداً اوج گرفت و حالا جوان آبی‌پوش محبوب تیم استقلال را طرف دیگر، در همان فصل که شفر به تازگی هدایت استقلال را برعهده گرفته بود، تکاید فراوان این سرمربی بر استفاده از یک مدافع جوان به نام پدیده‌جدید حسینی موجب شد تا کارلوس کی‌روس نیز به پدیده جدید استقلال اعتماد کند و نمایش را در فهرست مسافران جام جهانی روسیه قرار بدهد. حالا حسینی لیوینر شده اما حتماً روزهای حضورش در جمع آبی‌ها به عنوان یک بازیکن گمنام را فراموش نکرده است.

صیاد در تور کارگاه

شفر طی دومین فصل حضورش در استقلال مرتب روی توانایی یک جوان جوانی نام تأکید می‌کرد و همین مسئله موجب شد تا هواداران با اسم «اللهیار صیادمشن» آشنا شوند. چهره‌ای که جوان اول استقلال در فصل ۹۸–۹۷ بود و آن قدر خوب بازی کرد تا استعدادیاب‌های فوتبال ترکیه سرافش آمدند و او را نیز به جمع بازیکنان فوتبال کشوران اضافه کردند. البته هنوز هم برخی کارشناسان معتقدند شاید اگر صیادمشن استقلال‌ها مطرح شود، باقی می‌ماند، می‌توانست به جای فوتبال ترکیه، رهسپار تیم بهتری در اروپای غربی شود.

پدیده جدید؟

فصل جدید لیگ برتر به احتمال زیاد کمتر از ۱۰ روز دیگر آغاز می‌شود و حالا همه چشم‌ها به محمود فکری دوخته شده تا ببینند آیا استقلال در این دوره نیز پدیده‌ای خواهد داشت؟ بدون شک اگر قرار باشد نام به بازیکنی به عنوان پدیده توسط استقلال‌ها مطرح شود، باید آن را از میان نفراتی جست‌وجو کرد که یا طی دو ماه گذشته جذب شده‌اند یا از تیم‌های پدای استقلال به جمع برگزاسان آمده‌اند. دور فکری در مقطعی از اوایل همه ۷۰ هه نوعی جزو بازیکنان جوانی بود که با استقلال به فوتبال ایران معرفی شد، حالا باید ببینیم خودش هم می‌تواند در قالب سرمربی، چهره جدیدی را معرفی کند یا نه؟

نماینده مجلس با اشاره به انتخاب یک

حراستی برای مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس گفت: ایشان در بدو ورود به این مسئولیت وجود فساد در

این باشگاه را تأیید کردند.

وزارت ورزش و جوانان روز پنجشنبه جعفر سمیعی مدیرکل حراست این وزارتخانه را که هیچ سابقه فوتبالی نداشت به عنوان مدیرعامل باشگاه پرسپولیس انتخاب کرد که با واکنش‌های مختلفی مواجه شد.

سید احسان قاضی‌زاده هاشمی در این مورد گفت: اعتراضاتی که در این چند روز در مورد انتخاب مدیرکل حراست وزارت ورزش برای مدیرعاملی باشگاه پرسپولیس شد برای من جالب بود که اعلام کرده می‌خواهد فساد را در این باشگاه از بین ببرد. در این اظهار نظر ایشان اول تأیید و

اقرار کرده که در این باشگاه فساد وجود دارد. وی ادامه داد: دومین نکته این است که ایشان

که قبلا مدیرکل حراست این وزارتخانه بوده و

قاضی‌زاده هاشمی عنوان کرد:

مدیر عامل جدید فساد در پرسپولیس را تأیید کرد



باشگاه یک جز از این وزارت بوده و زیر نظر وزارت

ورزش بوده است، پرسش این است که در این چند

حسینی: انگار نه انگار به فینال آسیا رسیده ایم

فقط روی پرسپولیس نظارت وجود دارد

تا به ما همه وارد کنند. همه می‌بینند که چه کمک‌هایی به برخی از تیم‌ها شده و چه پول‌هایی به آنها رسیده است.

وی خاطرنشان کرد: این تیم‌ها بیشتر از همه تیم‌ها بازیکن

می‌گیرند، هر بازیکنی را که می‌خواهند جذب می‌کنند و خیلی راحت بازیکنان سابق خود را برمی‌گردانند. در این چند سال صحبت از نظارت روی باشگاه‌ها بوده اما این نظارت‌ها فقط روی باشگاه پرسپولیس است و انگار روی کار بقیه باشگاه‌ها نظارتی نیست. نظارت داشتن خیلی هم اتفاق خوبی است و ما از آن استقبال می‌کنیم اما نه اینکه این موارد فقط برای پرسپولیس وجود داشته باشد.

کاپیتان پرسپولیس ادامه داد: این حرف ها کاملا قابل اثبات است. امیدوارم مدیران گذشته و فعلی باشگاه بگویند که چه فشارها و نظارتی روی پرسپولیس بوده است تا همه متوجه این موضوع بشوند. در عمل اما روی بقیه باشگاه‌ها چنین نظارتی نیست. این باشگاه‌ها هر زمان خواستند بازیکنان گرانقیمت جذب کردند اما برای ما این مسائل امکان‌پذیر نیست.

حسینی اضافه کرد: در این سه سال برای دومین بار است که به فینال لیگ قهرمانان آسیا می‌رویم اما انگار نه انگار. چرا این مشکلات برای پرسپولیس وجود دارد؟ چرا سایر تیم‌ها اگر مشکلی هم دارند خیلی راحت‌تر مشکلات‌شان حل می‌شود؟ در این چند سال هر چه بیشتر تلاش کردیم، بیشتر ضربه خوردیم و این اصلا خوب نیست. وی درباره بازی با سایپا که قرار است در هفته اول لیگ برتر بیستم برگزار شود توضیح داد: سایپا تیم خوب و جوانی است که همیشه مقابل ما با همه توان بازی کرده است اما برای موفقیت و کسب سه امتیاز تلاش می‌کنیم، با این همه کار سخت است. اگر از من بپرسید باید بگویم امسال همه بازی‌ها سخت و مشکل خواهد بود و بازی آسان دیگر وجود ندارد.

کاپیتان پرسپولیس درباره حضور در فینال لیگ قهرمانان آسیا که کمتر از ۵۰ روز دیگر در دوحه قطر برگزار خواهد شد و اینکه به

مهدی ترابی: لطفا فیلم ها و صدای من را رو کنید

به یک سری مسائل انجام می‌دهند. این را هم بگویم که احساس کردم برخی افراد در باشگاه صحبت‌هایی که به‌صورت خصوصی با آنها انجام دادم را با افراق تحویل فضای مجازی می‌دهند که این کار قشنگی نیست. آنها می‌خواهند بازیکنان را برابر هواداران قرار دهند. من اگر دنبال پول بودم می‌توانستم قبل از بازی با سایپا (آخرین بازی لیگ) و یا قبل از دربی قرارداد را ببندم. من قبل از بازی با سایپا بی‌پایمانم، این زمان پیشنهاد خیلی بهتری از تیم الدوحیل داشتم که همه هم به نظر نیامد. من قبل از بازی با سایپا بی‌پایمانم، این زمان قرارداد را فسخ کنم که این کار را نکردم ولی هیچ وقت به‌خودم اجازه نمی‌دهم سر هواداران پرسپولیس که همیشه حمایت کردند منت بگذارم.

-**توضیح می‌دهی که چگونه و چرا**

قرارداد را فسخ کردی؟

این موضوع به به‌صورت واقعی بیان نشد. فکر می‌کنم حدود ۲ یا ۳ماه قبل به سایپا نامه فرستادم که قرارداد قبل از بازی با سایپا می‌تواند فسخ شود ولی باشگاه از این نامه هیچ‌جا صحبت نکرد. این نامه در باشگاه است و می‌توانند آن را منتشر کنند. باشگاه عکس‌العملی در مورد این نامه نشان نداد. من حتی یک روز هم مدیر برنامه‌هایم را به باشگاه فرستادم تا حضوری با مسئولان پرسپولیس بگوید که با توجه به بند فلان، قرارداد ترابی فسخ می‌شود و مراقب بنامید این اتفاق رخ ندهد. البته بحث من پول نبود و فقط انتظار احترام را داشتم که این احترام این تیم –**برخی از بازیکنان ایرانی در این سال‌ها با وجود پیشنهاد از تیم‌های عربی، ترجیح دادند با پول کمتر به اروپا بروند. تو چرا این کار را نکردی؟**
آیا پیشنهادی از اروپا نداشتی؟

پیشنهاد بود ولی فقط در فکر و ذهن من این بود که از پرسپولیس جدا نشوم ولی اتفاقات را طوری رقم زدند که جدا شوم. این پیشنهادی که قبل از اتمام لیگ رسید خیلی بهتر بودی که می‌توانستم همان زمان جدا

خروج زکی پور عاقبت تیم بستن بدون مربی

دسترس نبود، جناح راست استقلال از کار می‌افتاد. بسته شدن تیمی که با یک مدافع راست تخصصی ۳۳ ساله و بدون هیچ جانشین مطمئنی به لیگ می‌آید، فقط و فقط یک دلیل داشت: ساختار استقلال در آغاز لیگ نوزدهم، قبل از استخدام استراماچونی پایه‌ریزی شده بود و این تیم عملاً در فصل نقل و انتقالات، مربی مشخصی نداشت. در طول فصل گذشته، هر وقت وریا قادر به حضور در ترکیب اصلی نبود، علی دشتی یا محمد دانشگر در پست غیرتخصصی به کار گرفته می‌شدند و احتمالاً امیرحسین کارگر که بسیار جوان است، در تمرینات به حدی باکیفیت نبوده که هیچ‌کدام از مربیان استقلال، حاضر به استفاده مداوم از او نشدند. با داستان‌هایی که جزئیات آن را همه می‌دانیم و نیازی به تکرار آن نیست، استقلال امسال هم در فصل نقل و انتقالات، بدون مربی بود و برای دومین سال پیاپی، اغلب خریدهای جدید صرفاً با نظر مدیران سابق و بدون هیچ استراتژی مشخصی به تیم پیوستند. این عجیب‌ترین اتفاق ممکن در فوتبال است که مربی یا مدیر ورزشی یک باشگاه، مسئول بستن تیم نباشد. از طرفی، خود مدیران استقلال هم مطمئن نبودند توانایی حفظ کدام بازیکنان سال گذشته را دارند و صرفاً بر اساس احتمالات به بازار یا گذاشتند. نتیجه خریدهای بی‌دلیل و بدون پشتوانه فکری مشخص، همانی است که در یکی، دو روز گذشته در استقلال دیدیم. میلچ قصد دارد به

روزنامه‌صبح ایران

استخبارات

شماره ۳۰۷۷

اخبار

ادامهٔ نظر سنجی‌های AFC؛

دوپر سپولیس و یک استقلال کاندیدای بهترین هافبک لیگ قهرمانان آسیا

دو بازیکن فوتبال پرسپولیس و یک بازیکن از تیم استقلال کاندیدای کسب عنوان بهترین هافبک لیگ قهرمانان آسیا در منطقه غرب قاره هستند. کنفدراسیون فوتبال آسیا در ادامه نظرسنجی خود برای انتخاب برترین بازیکنان تیم منطقه غرب این قاره در لیگ قهرمانان آسیا، امروز از مخاطبان خود خواست تا بهترین هافبک لیگ قهرمانان را انتخاب کنند. سایت کنفدراسیون آسیا پیش از این اقدام به نظرسنجی در بخش دروازه و دفاع کرده بود که حامد لک دروازه بان، سیامک نعمتی و سعید آقایی مدافعان پرسپولیس در این نظرسنجی انتخاب شده بودند. در بخش هافبک هم ایران سه نماینده دارد: دو بازیکن از پرسپولیس و یک بازیکن از استقلال. این نظرسنجی که از امروز برای انتخاب بهترین هافبک لیگ قهرمانان آغاز شده، بشار رسن و کمال کامیابی نیا از پرسپولیس و مهدی قاندی از استقلال شرکت داده شده‌اند.

طبق اعلام سایت AFC این نظرسنجی تا یک هفته دیگر ادامه خواهد داشت.

زورگیرها از آنچه فکر می‌کنید به شما نزدیک‌ترند

علی دایی نه اولین چهره مشهوری است که از سر وقت می‌شود و نه آخرین نفر. در همین ایران هم مال و منال عادل فردوسی‌پور را بردند و هم به احمدرضا عابدزاده پاتک زدند، هم کت و شلوار کی‌روش را قاپ زدند و هم استوک‌های جواد نکونام را! دایی فوتبالبست سرشناس و درخشانی بود که اتفاقاً نسل من هم به او افتخار کرد و هم حساسی از خجالتش درآمد. وقتی درجام جهانی ۲۰۰۶ یک ضربه سر را به بیرون از چارچوب دروازه آنگولا زد، عادل فردوسی‌پور که یکی از منتقدان زیرپوستی او بود، گفت: «اگر دایی ۱۰ سال جوان‌تر بود این توپ را گل می‌کرد.» ما روزبزرز خندیدیم!

انتقاد از دایی آن روزهای یورس بود. بیشتر ما گمان می‌کردیم که علی دایی حق خیلی‌ها را خورده است. از رضا عنایتی تا وحید هاشمیان و آرش برهانی و … خیال می‌کردیم بازنشسته شود حرفانمان را برپری می‌کنیم، گفتمیم و نوشتمیم که جاهطلب و دیکتاتور است. برانکو توی مشت‌اش است و اوست که ازخ می‌چیند و دوستش‌ار بازی می‌دهد و اصلاً فوتبال بلد نیست و دو تا روپایی نمی‌تواند بزند و شاسی توپ‌هایش گل می‌شوند و یک تیر برق هم باشد این توپ‌ها به او می‌خورد و گل می‌شود و …ما به عادت شرقی از له کردن کسی که یک روز او را به عرش برده بودیم لذت می‌بردیم. خودش هم گاهی پلس گل می‌داد. با داد و فریاد، با اعتراض و چشم غره، لابد پیمانه‌اش پر می‌شد ولی ما می‌گفتمش حتی نلارد، باید تحمل کند، ما او را ستاره و اسطوره کرده‌ایم و … این اولین باری نیست که از علی دایی دزدی می‌شود. یک بار منزلش را تزد زد و سال ۹۰ هم وقتی در جاده اصفهان – تهران تصادف کرد و بی‌هوش بود نوشتند که دندانی ساعت و پول و دلاره‌ایش را درزدیدند. حتی ماجرای گردنبند طلایش هم تازگی ندارد. سال ۹۱۹۱وقتی در بیمارستانی در فرانیه می‌رفت، دو موتورسوار تقلا کردند تا گردنبند او را بزدند. این بار اما موفق شدند. پیش چشم دندترش «تورا» او را پخش زمین کردند، گردنبند را دزدیدند و رفتند.

او اولین نفری نیست که طعمه زورگیرها می‌شود. همه اندازه دایی خوش شانس نیستند و گاهی با قمه و تیزی پاره پاره می‌شوند. این شکل سرقت خشونت‌آمیز اتفاق درنکاتی است که تا مدت‌ها اثر آن روی روان آدم می‌ماند. یک گردنبند طلا احتلا بر کاهی است در میان خرمن دارایی‌های او و علی دایی برخلاف دانشجو و کارگری که گوش‌اش را به همین شکل می‌زدند و ورشکست می‌شوند، بعد است غصه‌اش را بخورد! تا نکته آزادنده برای من واکنش بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی است. جایی که ریاکاری معمول ایرانی در پر کردن پرسشنامه‌ها با پیش چشم دوربین را کنار می‌گذارند و حرف دلشان را می‌زنند. این ریاکاری کسانی که علاقه‌مند به شناخت جامعه هستند یک دانشگاه است.

برخی زیر ویدئوی ترسناک این زورگیری نوشته‌اند: «در جامعه‌ای که گرسنه است دایی باید بداند که گردنبند طلای به او بزرگی زده‌ها را وسوسه می‌کند، پس خودش مقصر است»، عده‌ای مزه پرانده‌اند و با لکنت زبان دایی شوخی کرده‌اند که «گل‌دنبندم لو دزدیدین!» و عجب استقبالی از آن شده، کسانی نظر داده‌اند که «وقتی سلب‌ریتی‌ها به کمپین «چه اعدام» می‌پیوندند، نتیجه‌اش می‌شود همین، پس بخورید از آشی که خودتان پخته‌اید»، برخی نوشته‌اند: «نه تنها او را رئیس فدراسیون نکرديم که وسط خیابان مال و اموالش را دزدیدیم!» در مورد عدم امنیت در کشور و … هم نظریه‌های زیادی نوشته‌اند که اینجا قابل بحث نیست! البته که همدردی با او هم بسیار است اما انگار دل بعضی‌ها هم خنک شده است. خوشحال شدن از اینکه حالا که من پول ندارم، بگذرا از پولدارها هم بدزدند! خرمن سوخته، خرمن دیگران سوخته خواهد. لیکند زدن به زخم دیگران، پهن کردن فرش قرمز برای کسانی است که یک روز سراغ خود ما هم می‌آیند. با قمه یا بی‌قمه!

این ماجرا دو روز دیگر زیر یک خبر مرگ، دزدی، اختلاس یا یک مکافات دیوین دفن می‌شود و از یاد مردم اما حال همه ما بد است. چه ما که هم روز با این خشم اجتماعی چهره به چهره می‌شویم و چه علی دایی که احتمالاً این کامنت‌ها را می‌بیند و اغاش بیشتر می‌شود که چرا باید بخشی از جامعه آن قدر پر از کینه و نفرت شده باشد که باز زورگیر همدلی کند؟ و چه آنها که بیخ گوشش پیچ می‌کنند که برای چی موندی توی این کشور؟ برای چی در ورزقان و کرمانشاه پولت رو خرج می‌کنی که بدش ابراز میشه؟ برای چی هزینه بچه‌های بی‌سرپرست رو میدی؟ دست زن و بچه‌ات رو بگیر برو به گوشه دنیا لذت رو ببر. جایی که جلوی دزدتو به قمه، زنجیر گردنت رو ازت نذرند و وحشت نذران به جون خودت و خانواده‌ات؟! ول کن …